

حیاتی در اقتصاد جهان بهره مند است. همچنین با رشد و تکمیل برنامه ۵ ساله توسعه، ظرفیت تولید گاز تا میزان ۲۲۰ میلیون متر مکعب در هر روز افزایش خواهد یافت. در حالی که سرمایه گذاری ۱۰ میلیارد دلاری لازم است.

همایش «شورای همکاری خلیج فارس و تلاش برای تحقق امنیت و ثبات... فرصتها و موانع در دهه آینده»

عبدالرضا همدانی

کارشناس مرکز پژوهشهای علمی و

مطالعات استراتژیک خاور میانه

دانشگاه کویت با همکاری مرکز مطالعات خلیج فارس و شبه جزیره عربستان در روزهای اول و دوم مه ۲۰۰۱ همایشی تحت عنوان «کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و تلاش برای تحقق امنیت و ثبات منطقه ای... فرصتها و موانع در دهه آینده» با حضور اساتید دانشگاهی و شخصیت‌های سیاسی برگزار کرد. سخنرانی سفرای آمریکا، روسیه، فرانسه و انگلیس و ارایه نقطه نظرات دولتهای متبوع خویش در ارتباط با مسایل خلیج فارس در این همایش بسیار قابل توجه می باشد، بویژه اینکه هر کدام از این سفرا نسبت به حضور ایران در سیستم امنیت منطقه ای مشترک، دیدگاههای متفاوتی داشتند. همچنین اظهارات اساتید

دانشگاهی در ارتباط با امنیت خلیج فارس و شرایط آن و نحوه برقراری مناسبات بهینه با جمهوری اسلامی ایران حایز اهمیت می باشد.

این مراسم با پیام شیخ صباح الاحمد الصباح وزیر امور خارجه کویت افتتاح شد. وی در این پیام اظهار کرد: «در آینده نظم و ثبات در منطقه خلیج فارس تنها در صورتی که به مرزهای بین المللی احترام گذاشته شود و دخالت در امور داخلی کشورها از میان برود، تحقق خواهد یافت. باید استفاده از زور در حل و فصل اختلافات منطقه ای کنار گذاشته شود. اینک زمان آن فرارسیده است که علت بروز بسیاری از تنشها، منازعات و جنگهایی را که طی سالیان گذشته در منطقه خلیج فارس به وقوع پیوسته و صدها هزار بیگناه به خاطر آن جان باخته و میلیاردها دلار صرف آن شده است از خود بپرسیم، آیا ما ملتهایی جنگ طلب هستیم یا اینکه این جنگها بر ما تحمیل شده است؟ پرواضح است که مردم این منطقه سالیان درازی در صلح و امنیت و ثبات در چارچوب روابط برادری، دین و تاریخی مشترک در کنار یکدیگر زیسته اند،

اما رؤیای برتری جویی و توسعه طلبی و عشق به فرمانروایی و نفوذ در نزد برخی رهبران منطقه طی دهه های پایانی قرن گذشته، منطقه را وارد جنگهایی طولانی و به هم پیوسته کرد.

حادثه ای که در دوم اوت ۱۹۹۰ برای کویت اتفاق افتاد نمایانگر فجیع ترین رویدادی است که تاکنون برای یک ملت عرب، مسلمان و مسالمت جو توسط کسانی که عشقی کور به فرمانروایی دارند، رخ داده است. ما با تقدیر از برگزاری این همایش امیدواریم که ابعاد برقراری امنیت و ثبات منطقه ای در این نقطه حیاتی از جهان که دارای اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک فراوانی است، مورد تفحص قرار گیرد.»

دکتر فایزه الخرافی مدیر دانشگاه کویت نیز در سخنرانی خود گفت: «امنیت خواست همه ملتها است و هیچ دولتی به هر حجم و اندازه ای که باشد و به هر میزان توانایی که داشته باشد بی نیاز از امنیت نیست. دولتها برای حفظ امنیت خویش هزینه بسیاری می کنند. ملتها همواره به امنیت خود می اندیشند و برپایه اطمینان به حفظ ثبات و امنیت خویش با سایر دولتهای

جهان ارتباط برقرار می کنند. به همین دلیل تا زمانی که امنیت برای تمامی واحدهای سیاسی تأمین شود می توان از همزیستی مسالمت آمیز دو دولت سخن گفت.

پیشرفت اقتصادی و تکنولوژیک در جوامع صنعتی نظیر اروپا زمانی برای همه دولتها تحقق یافت که منطق جنگ پس از جنگ دوم جهانی، کاملاً فروپاشید و نازیسم و فاشیسم با تمامی گرایشهای نژادپرستانه، خصمانه و غیرانسانی شان از بین رفتند. حال باید از تاریخ مردم منطقه خلیج فارس پند و عبرت گرفت. هرگاه که امنیت بر دو سوی سواحل خلیج فارس سایه انداخت و قلبها به محبت و همکاری گرایش یافت و عقلها متمایل به گفت و گو و تفاهم شد، آنگاه است که واژه همزیستی مسالمت آمیز بین ملتها و دولتهای منطقه معنی پیدا خواهد کرد و می توان برای تأسیس یک ساختار منطقه ای متمدن و موفق در سراسر خلیج فارس گامهای عملی برداشت.

دکتر میمونه خلیفه العذبی الصباح

مدیر مرکز مطالعات خلیج فارس و شبه جزیره عربستان نیز در سخنرانی خود بیان کرد: «تلاش برای ایجاد یک امنیت گروهی از

سوی کشورهای منطقه بسیار قابل تقدیر است، بهترین شیوه برای برقراری امنیت دسته جمعی در این منطقه، مشارکت کلیه کشورهای منطقه در کنار دیگر کشورهایایی که نقش فعالی در ثبات منطقه دارند در یک سیستم امنیت جمعی منطقه ای مشترک است، اما به نظر نمی رسد که این دولتها تمایل به حضور در یک سیستم امنیتی مشترک داشته باشند، زیرا دیدگاههای مخصوص به خود را دارند، اما می شود پیشنهادات کلیه کشورها را بررسی کرد و به یک نتیجه قابل قبول دست یافت.

ملتهای منطقه سعی دارند از دو بعد منطقه ای و بین المللی مسئله امنیت خلیج فارس را حل کنند و سعی دارند که روابطی بهتر و مستحکمتر بدون هیچ گونه رقابت و عداوتی و تنها براساس منافع مشترک از طریق یک ساختار منطقه ای همپراز با عصر جهان گرایی که بتواند با چالشهای آینده مقابله کند، با یکدیگر داشته باشند.

جوامع خلیج فارس باید به دور از منازعات منطقه ای و تشنجهایی که طی دوده گذشته در این منطقه وجود

داشته است در زمینه های سیاسی، اقتصادی و توسعه پایدار با یکدیگر همکاری کنند و چنین امری محقق نمی گردد مگر در سایه یک سیستم امنیتی جدید که از تجربه های گذشته استفاده کند و در صدد تأمین امنیتی واقعی مبتنی بر منافع دولتها و ملت های منطقه باشد.

عبدالله یعقوب بشاره رییس مرکز دیپلماتیک مطالعات استراتژیک کویت و نخستین دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس در سخنرانی خود که به عنوان «وضعیت عربی در امنیت خلیج فارس بین التزام و فعالیت، مورد کویت» ارایه شد، اظهار کرد: «اختلاف میان کشورهای عربی به دلیل اینکه منافع این کشورها مثل هم نیست و هیچ اعتمادی میان کشورها وجود ندارد ادامه خواهد داشت، ضمن اینکه روابط اقتصادی میان کشورهای عربی محدود است و ارتباط این کشورها با جهانگرایی و تحولات آن متفاوت و بعضاً متعارض می باشد.» وی در ادامه سخنان خود به وضعیت ژئوپلیتیک کویت و تهدیدات پیرامونی آن اشاره کرد و نیاز کویت به حضور نیروهای نظامی قدرتهای بزرگ نظیر آمریکا و انگلیس را برای

مقابله با این تهدیدات مورد تأکید قرار داد. وی با اشاره به اینکه فقط نیروی بازدارنده قدرتهای بزرگ می تواند حامی مرزها و حاکمیت کویت باشد تنها راه حفظ ثبات و امنیت خلیج فارس را وجود استراتژی باز دارندگی فعال با پشتیبانی شورای امنیت سازمان ملل متحد، تا زمانی که نظام سیاسی فعلی عراق سرنگون شود و یک نظام دموکراتیک و مترقی جانشین آن گردد، توصیف کرد.

در ادامه این همایش جیمز لاروکو، سفیر ایالات متحده آمریکا در کویت به سخنرانی پرداخت. محور اصلی سخنرانی وی، توان بالقوه نظامی عراق و تلاشهای ایران برای دستیابی به موشکهای دوربرد و افزایش نگرانی دولتهای منطقه بود. لاروکو با بیان اینکه شورای همکاری خلیج فارس عامل اصلی حفظ ثبات و امنیت در منطقه خلیج فارس در حال حاضر و در آینده می باشد، ادامه داد: «اندیشه تأسیس چنین شورایی در سال ۱۹۷۶ از سوی امیر کویت شیخ جابر الاحمد الصباح که در آن هنگام نخست وزیر بود، طی سفر به کشورهای همجوار مطرح شد و بالاخره این پیشنهاد در

مۀ ۱۹۸۱ با تأسیس این سازمان تحقق پیدا کرد. اینک منطقه خلیج فارس همچنان مورد تهدید است. نگرانی کشورهای منطقه نسبت به تواناییها و مقاصد نظامی عراق کاملاً جدی و قابل درک می باشد، اما در مورد ایران این مسئله اندکی پیچیده است، زیرا به همان نسبتی که از شور و حماس انقلابی ایرانیان به مرور زمان کاسته می شود شاهد کوششهای این کشور جهت دستیابی به سلاحهای پیشرفته و موشکهای دوربرد هستیم که همچنان عامل نگرانی می باشد. در دوران کنونی با پدیده جدیدی تحت عنوان تهدیدات غیرمتوازن و غیرمتعارف مواجهیم که هنوز به درستی مورد مطالعه قرار نگرفته است. منظور از این تهدیدات، استفاده از ویروسهای کامپیوتری و سلاحهای کشتار جمعی است. گرچه بعضی دولتها از این عوامل تهدیدگر غیر کلاسیک استفاده می کنند، اما اغلب استفاده کنندگان از این نوع عوامل نابودکننده افراد و سازمانهایی هستند که نمایندگان دولت متبوع خویش به شمار نمی آیند. به عنوان مثال استفاده از گاز «سارین» در مترو توکیو که منجر به کشته شدن هفت نفر و آسیب دیدگی

دههاتن شد، توسط یک گروه تروریستی انجام گرفت و وقوع چنین حوادثی در نقاط دیگر جهان بعید نیست. برخلاف جنگهای کلاسیک که ارتش دو کشور در میدان جنگ رودرروی یکدیگر می ایستادند در حملات غیر کلاسیک مسئله رویارویی کاملاً منتفی است، زیرا نیروهای نظامی کلاسیک قادر به جلوگیری از این گونه حملات نیستند و مرزهای بین المللی نیز نمی توانند مانع از رفت و آمد این گونه افراد گردند. به همین دلیل من تأکید می کنم که این حملات نه تنها امنیت و ثبات را تحت تأثیر قرار می دهد، بلکه حاکمیت ملی را مورد هدف قرار داده و به چالش فرا می خواند. در نتیجه برای مواجه شدن با این حملات غیر کلاسیک، کشورها باید با یکدیگر همکاری کنند و در منطقه خلیج فارس کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس باید مبادرت به ایجاد یک سیستم دفاع مشترک کنند. در دسامبر گذشته اعضا این شورا رسماً توافق کردند در صورتی که هر کدام از کشورهای عضو شورا با تهدید و یا حمله ای مواجه شوند، دیگر کشورهای عضو به یاری آن بشتابند و از این طریق با عوامل

تهدیدگر منطقه ای مقابله کنند. چنین تصمیمی، یک گام مهم در ارتقای کیفیت دفاع مشترک میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به شمار می آید. ضمن اینکه این موافقتنامه حاوی پیغام واضحی به بغداد و تهران و جامعه بین المللی مبنی بر عزم این شورا برای همکاری مشترک در قبال هرگونه تهدیدی است که منطقه با آن مواجه شود. واضح است که سیستم دفاع منطقه ای مشترک که در این موافقتنامه نهفته است مبتنی بر بازدارندگی است و باید همه ما بدانیم که ایجاد بازدارندگی کار آسانی نیست، به همین دلیل این سؤال پیش می آید که فاکتورهای اصلی تحقق این امنیت در خلیج فارس چیست؟ مهمترین فاکتورهای تحقق چنین امری در سطوح نظامی، فرماندهی و کنترل می باشد که البته دشوارترین کار در امور نظامی فرماندهی و مدیریت صحیح است. هرگونه فرآیند تصمیم گیری در عملیات نظامی نیاز به هماهنگی و ارتباط تنگاتنگ بین مقامات کشوری و لشکری کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دارد و برای تضمین موفقیت در فرماندهی و کنترل در عملیات

نظامی به موارد زیر بسیار وجود دارد:

الف. وجود یک تشکیلات مشورتی میان وزرای دفاع؛

ب. شبکه ارتباطات امن؛

ج. تبادل اطلاعات دقیق نظامی؛

د. سیستم هشدار جمعی مشترک.

در این رابطه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس گامهای مطلوبی برداشته اند و به عنوان مثال در زمینه ارتباطات شاهد برگزاری مراسمی در ۳۰ آوریل به مناسبت نصب شبکه فیبرنوری در چارچوب پروژه «کمربند همکاری» با همکاری مشترک شرکتهای آمریکایی، سوئدی و اتریشی و کشورهای عضو شورا بودیم، اما با این وجود هنوز راه طولانی در پیش است، زیرا اجرای دقیق استراتژی فرماندهی و کنترل فراتر از تصمیم گیریهای فردی کشورها می باشد و همین مسئله موجب بروز حساسیتهای سیاسی می گردد.

نیروهای نظامی نیز رکن اساسی امنیت منطقه ای به شمار می آیند. کشورهای عضو شورای همکاری توافق کرده اند که نیرویی مشترک به نام «سپرجزیره» با حضور ده هزار سرباز از

جنگنده های اف-۱۶، کویت از جنگنده های اف-۱۵ و عربستان سعودی از جنگنده های اف-۱۸ استفاده می کنند.

یکی دیگر از اهدافی که می باید مدنظر شورای همکاری باشد تأسیس مرکزی برای گردآوری ابزارهای نظامی است. کشورهای عضو این شورا باید آماده، مقابله با تهدیدات غیر متعارف باشند، چرا که این تهدیدات هیچ گونه مرز بین المللی نمی شناسند و به همین دلیل باید همکاری دولتها در سطح منطقه ای و بین المللی افزایش یابد. حادثه انفجار مرکز تجارت جهانی در شهر نیویورک در سال ۱۹۹۵، ایالات متحده را بر آن داشت که برای رویارویی این تهدیدات جدید برنامه های دفاعی خویش را ارتقا بخشد و پس از این حادثه بود که به اهمیت تبادل اطلاعات امنیتی پی بردیم. به همین جهت دولتها باید با ارایه اطلاعات خویش در جهت ایجاد یک شبکه اطلاعاتی غنی و فعال مشارکت کنند تا کارشناسان از این طریق بتوانند در شناسایی شخصیت مجرمان تواناییها و شیوه رفتار و اماکن زندگی شان موفق گردند و اینجاست که متوجه اهمیت وجود یک سیستم ارتباطی

شش کشور عضو در منطقه حفرالباطن تشکیل دهند، اما نباید دو نکته اساسی را فراموش کرد: اول، اینکه آمادگی چنین نیرویی دلیل بر توان بازدارندگی آن می باشد و دوم، اینکه تعداد نظامیان به اهمیت توان و سرعت گسترش نیروها نمی باشد. به همین دلیل ترتیباتی که میان نیروهای نظامی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مقرر می گردد، در ایجاد توان لازم جهت واکنش سریع و فعال، در برابر تهدیدات نقش حیاتی ایفا می کنند. نیروهای سپر جزیره در آینده باید توان مقابله نظامی، دریایی و هوایی با تهدیدات مختلف را داشته باشند ضمن اینکه باید دولتهای منطقه بتوانند پشتیبانی سریع و لازم را از این نیروها در زمان بروز تهدیدات به عمل آورند. بدیهی است که حمایت لجستیک در ساخت امنیت منطقه ای نقش حساسی دارد و بنابراین هماهنگی تسلیحاتی نیروهای نظامی منطقه از اهمیت بسیاری برخوردار است. در حال حاضر این هماهنگی در سطح نیروهای هوایی سه کشور عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت وجود دارد، به طوری که امارات متحده عربی از

سریع میان پایتختهای جهان برای تبادل این ارتباطات می‌شویم.

همکاری جدی سازمانهای امنیتی و سازمانهای هماهنگ‌کننده قوانین، نظیر دادگاهها نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا همکاری این دو سازمان به اتخاذ اقدامات پیشگیرانه نظیر جلوگیری از جابجایی غیرقانونی پول و ممانعت از رد و بدل شدن غیرقانونی اطلاعات کمک می‌کند. آموزش افسران کنترل‌کننده، مرزهای ورود و خروج کشورها در مورد نحوه کشف مواد شیمیایی خطرناک نیز از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. ما از طریق برنامه (CDI) تجربیات خویش را به کشورهای منطقه خلیج فارس و مصر و اردن منتقل می‌کنیم. این برنامه به منظور کمک به کشورهای منطقه جهت رویارویی با تهدیدات بیولوژیک شیمیایی و هسته‌ای طراحی شده است. برنامه (CDI) دارای دو هدف اساسی است: ۱. بازدارندگی یا نابودی هرگونه حمله با سلاحهای کشتار جمعی؛ ۲. در صورتی که موفق به این کار نشویم هدف دوم که کاستن از خسارتهای ناشی از این حمله می‌باشد به اجرا

درمی‌آید. در حال حاضر برای تحقق این دو هدف در دو سطح فعالیت می‌کنیم: سطح اول، ایجاد تواناییهای دفاعی برای هر کشور و به‌طور جداگانه است و سطح دوم، تشویق شورای همکاری به دفاع مشترک برای مقابله با سلاحهای کشتار جمعی است. برای منطبق کردن برنامه (CDI) در یک سلسله از تمرینات مشترک با نیروهای نظامی منطقه که برای اهمیت آمادگی و برنامه‌ریزی مناسب در شرایط اضطراری تأکید دارد، مشارکت کرده‌ایم. دفاع مشترک بهترین راه رویارویی با این تهدیدات است و بر همکاری مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی صحه می‌گذارد. این امر بدین معناست که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس باید برای افزایش همکاریها میان وزارتخانه‌هایشان بویژه دو وزارتخانه دفاع و کشور جدیت بیشتری از خود نشان دهند. در پایان مایلیم به سران کشورهای عضو شورای همکاری بگوییم که مسئولیت بزرگی برای مقابله با این تهدیدات وحشتناک در پیش دارند. الگوهای متعددی از سیستمهای امنیت مشترک در اروپا و آسیا وجود دارد و علی‌رغم اینکه می‌توان از این

الگوهای جهانی درسهایی فرا گرفت، اما من معتقدم که کشورهای عضو شورای باید براساس الگوهای خاص خویش عمل کنند.

پاتریس پاولی سفیر فرانسه در کویت نیز طی سخنرانی خود بر التزام کشورش نسبت به دفاع از کویت در مقابل هرگونه تهدید خارجی تأکید کرد. وی ابراز کرد: «این موضع فرانسه در هنگام بروز هرگونه عامل تهدیدگر مورد تأکید مجدد قرار می‌گیرد و فرانسه بر موافقتنامه دفاعی که در سال ۱۹۹۲ با کویت به امضا رسانده است، پایبند می‌باشد. ضمن اینکه همچون سایر اعضا دایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد، فرانسه با یازده کارشناس در کمیته ویژه سازمان ملل در مورد اختلافات کویت و عراق حضور دارد. البته بعد منطقه ای امنیت نیز بسیار مهم است و نکته اساسی در این زمینه از میان بردن سلاحهای ممنوع عراق و نظارت مستمر در مورد سلاحهای کشتار جمعی و موشکهای قاره پیماست تا مطمئن شویم که عراق دیگر تهدیدی برای همسایگانش به شمار نمی‌آید و این مسئله برای تمامی کشورهای جهان مهم تلقی می‌شود. موضع فرانسه هرگز برپایه حوادث

شکل نمی‌گیرد، زیرا موضعگیریها با تصمیمات شورای امنیت و حقوق بین الملل جهت گیری می‌شود و ما در کلیه زمینه‌ها به این دو اصل پایبندیم. ما تأکید می‌کنیم که عراق باید تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت را اجرا کند و از طریق گفت‌وگو و دیگر طرق مسالمت آمیز اختلافات را برطرف کند. همانگونه که ملاحظه می‌کنید تحریمهایی که از ده سال پیش تاکنون علیه عراق به اجرا گذاشته شده است به نتیجه مطلوب نرسیده است و یکی از مهمترین علل عدم موفقیت این تحریمها قاچاق کالا به داخل عراق می‌باشد. البته بسیاری از کشورها نظیر فرانسه با دولت عراق روابط بازرگانی دارند، اما این روابط در چارچوب برنامه‌های سازمان ملل متحد می‌باشد و بر روی تحریمهای اعمال شده از سوی شورای امنیت تأثیری ندارند.

سفیر فرانسه در فرازی دیگر از سخنان خود با اشاره به تأیید پاریس در زمینه تشکیل شورای همکاری خلیج [فارس] اظهار کرد: «کلیه کشورهای منطقه باید شیوه حفاظت از سرزمینهای خویش را برگزینند، ما نیز امیدواریم که منطقه خلیج [فارس] موازنه

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را در راه ثبات و امنیت پیدا کند، زیرا ثبات و امنیت این منطقه در دو دهه اخیر دوبار به دلیل جنگ عراق و ایران و اشغال کویت توسط عراق با بحرانی جدی مواجه شده است.»

سخنران دیگر در این همایش، ریچارد میر، سفیر انگلستان در کویت بود. او معتقد است که مهمترین علل وجود تهدیدات و ناامنی و بی ثباتی در منطقه خلیج [فارس]، چالشهای درونی کشورهای منطقه است که این چالشها به خارج از مرزهای این کشورها منعکس می گردند و در شکل گیری بحرانهای سهیم می شوند. وی تأثیر بازیگران خارجی در افزایش بحرانهای منطقه ای را در درجه دوم اهمیت توصیف کرد. ریچارد میر در سخنرانی خویش ادامه داد: «یکی از ویژگیهای منطقه خلیج [فارس] رشد سریع جمعیت است که همین امر موجب افزایش تعداد جوانان بیکار در آینده نه چندان دور می شود. چالشی که اینک فراروی اعضای شورای همکاری خلیج [فارس] می باشد و با توجه به اینکه اصلاحات اقتصادی مسئله ای اساسی است، جوانان این منطقه باید برای وارد شدن به جهان اقتصاد که همواره

در حال تغییر و تحول است، آموزشهای لازم را فراگیرند، ضمن اینکه اصلاحات سیاسی و اجتماعی منجر به ثبات و امنیت طولانی مدت شورای همکاری خواهد شد. فرآیند اصلاحات آغاز گشته است و میان کشورهای عضو شورا و متحدانی نظیر بریتانیا که برای ثبات و امنیت خلیج فارس اهمیت بسیاری قایل است، همکاریهای متعددی صورت پذیرفته است. در حال حاضر بزرگترین عامل ناامنی و بی ثباتی در این منطقه، رژیم عراق است. این رژیم اساسی ترین و ابتدایی ترین حقوق ملت عراق را نادیده می انگارد و هنوز هم همسایگان خویش را تهدید می کند. باید آنهایی که نسبت به تحریمهای عراق انتقاداتی به عمل می آورند به این سؤال مهم پاسخ دهند که چرا رژیم عراق کمکهای انساندوستانه را تقدیم ملت خویش نمی کند؟ مهار این رژیم یکی از سیاستهای منطقه ای ماست، باید مانع از دستیابی صدام به سلاحهای کشتار جمعی شد، اما در عین حال باید کوشش کرد تا کالاهای اساسی به ملت عراق برسد و تجارت قانونی و مشروع میان عراق و کشورهای عربی صورت گیرد و در کنار آن با قاچاق کالا به عراق برخورد جدی

شود. ما تمایل داریم که عراق با پایبندی به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، اقتصاد خویش را بازسازی کرده و جایگاه پراهمیت خویش را در جهان عرب بار دیگر به دست آورد.

معمولاً بعضی کشورهای منطقه خلیج فارس، ایران را عنوان یک تهدید منطقه‌ای تلقی می‌کنند، اما ما معتقدیم که گفت‌وگو و مشارکت فعالانه بهترین راه حل خروج از این گونه نگرانی‌ها است. امکان ندارد که خاتمی رییس جمهوری ایران، به دنبال بی‌ثباتی در منطقه باشد، ما به طور دایم تواناییهای نظامی ایران را زیر نظر داریم و به نظر ما گسترش روابط میان ایران و بعضی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بسیار امید بخش می‌باشد.

البته هرگز نمی‌توان از تأثیر مذاکرات صلح خاورمیانه بر امنیت و ثبات منطقه و شورای همکاری صرف نظر کرد. فلسطینیان و اسرائیلیان می‌باید هرچه سریعتر همکاریهای امنیتی را از سرگیرند و مذاکرات فی مابین را آغاز کنند. ما هرگونه فعالیتهای تروریستی را محکوم می‌کنیم و معتقدیم که شهرک‌سازیهای اسرائیل، اقدامی

غیرقانونی و مانعی در راه صلح است. بعضی حملات اخیر اسرائیل نابرابر بود و بریتانیا نقش فعالی برای از سرگیری مذاکرات صلح ایفا می‌کند.

در پایان باید تأکید کنم که پیگیری اصلاحات و گسترش همکاری میان اعضای شورای همکاری و حفظ ائتلاف استراتژیک با کشورهای نظیر انگلستان بهترین فرصتها را برای تأمین امنیت و ثبات در منطقه خلیج فارس ایجاد می‌کند.

ولادیمیر شیشوف، سفیر روسیه در کویت نیز ضمن تأکید بر تلاشهای دولت متبوعش جهت آزادسازی اسرای کویتی در بند عراق به اهمیت وجود روابط سیاسی میان مسکو و بغداد اذعان کرد. وی در ادامه مطالب فوق ابراز کرد: «ما به خاطر رضایت رژیم عراق و یا ضرورتاً به خاطر گسترش روابط با این کشور، مناسبات سیاسی خویش را برقرار نکرده‌ایم، بلکه این رژیم در عرصه بین‌المللی وجود دارد و باید آن را در نظر آورد. هیچ کس نمی‌تواند حدس بزند که رژیم عراق تا چه وقت پا برجا خواهد ماند. ما از عملکرد این رژیم در اجلاس سران عرب در امان پایتخت اردن بسیار شگفت‌زده‌ایم، زیرا به

پیشنهادات اعضای اتحادیه عرب، منجمله کویت، برای کاستن از درد و رنج ملت عراق هیچ توجهی نکرد. در واقع رژیم حاکم بر بغداد فرصت گرانبهایی را که می توانست به انزوای کنونی اش پایان بخشد به راحتی از دست داد. من واقعاً نمی توانم در قبال این عملکرد عراق هیچ تفسیری ارائه کنم.»

سفیر روسیه در کویت در قسمت دیگری از سخنان خویش پیشنهاد برقراری یک سیستم امنیتی مشترک با حضور ایران را ارائه کرد. او گفت: «روسیه پیشنهادی برای برقراری یک سیستم امنیتی-دفاعی مشترک با عضویت تمامی کشورهای منطقه از جمله ایران مطرح کرده است و هم اکنون نیز میان دولتهای منطقه و مسکو در این رابطه مذاکراتی در جریان است، البته تأسیس چنین ساختاری به زمان نیاز دارد. نکته دیگری که می خواهم به آن اشاره کنم حجم اندک همکاریهای اقتصادی میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و روسیه است. مجموع مبادلات بازرگانی در سال مالی گذشته، چیزی حدود ۳۰ میلیون دلار بوده است، ولی ما امیدواریم که همکاری های اقتصادی میان

روسیه و کشورهای منطقه توسعه یابد، زیرا هنوز در زمینه های اقتصادی بسیاری فرصت همکاری وجود دارد که مورد توجه و استفاده واقع نشده است.»

پس از وی دکتر مصطفی مرسی، مشاور مرکز مطالعات خلیج فارس و شبه جزیره عربستان با ارائه مقاله خویش به عنوان «میزان فراهم بودن عناصر لازم جهت ایجاد موازنه ای در منافع برای پوشانیدن شکاف در موازنه قدرتهای منطقه ای در خلیج فارس تصریح کرد: «منطقه خلیج فارس شاهد دو جنگ ویرانگر به منظور تغییر توازن و مناسبات قدرتها در این منطقه بوده است. هدف از این دو جنگ تغییر نقشه سیاسی منطقه با استفاده از قدرت بود. هنوز هم در سطح منطقه شاهد تنشها و بحرانهای متعددی هستیم و دوره های ثبات و امنیت بسیار کوتاه هستند. این دو جنگ در کنار خسارتهای زیادی که به کشورهای درگیر در آن وارد کرده اند، منجر به نظامیگری کشورهای منطقه شد، به طوری که مفهوم موازنه قوا در این منطقه اهمیت بسیاری یافت. هم اکنون کشورها در پی کسب درآمد بیشتر برای خرید سلاحهای

بیشتر هستند، این در حالی است که وضعیت اقتصادی این کشورها مطلوب نیست و به سختی پاسخگوی نیازهای اساسی جوامع خویش می باشند.

از سوی دیگر تنش‌شها و درگیریهای منطقه خلیج فارس علاوه بر اینکه بسیار سخت و هزینه ساز است، به شدت مورد توجه جامعه بین المللی قرار می گیرد.

بویژه پس از اینکه اختلافات ارضی و مرزی میان دو کشور تبدیل به بحرانی سیاسی در سطح منطقه و به دنبال آن تبدیل به یک بحران بین المللی می گردد. جنگ عراق

و ایران و اشغال کویت توسط عراق شاهدی بر این مدعا است. به دلیل اینکه منطقه خلیج فارس مرکز ثقل نفت جهانی است، هرگونه بحرانی که در این منطقه به وقوع پیوندد به سرعت بین المللی می گردد، به همین خاطر

سیستم امنیتی خلیج فارس برای کشورهای خارج از این منطقه اهمیت استراتژیک بسیاری دارد.

کشورهای خلیج فارس میان دو نیروی قدرتمند منطقه ای یعنی عراق و ایران قرار گرفته اند و هر کدام از این دو نیرو درصدی نفوذ کامل بر منطقه می باشند. دولتهای

منطقه پیش از این تلاش کرده اند که یک سیستم امنیتی با مشارکت عراق و ایران بر مبنای احترام به مسایل داخلی کشورها و رعایت مرزهای بین المللی برقرار کنند، اما در عین حال که کشورها همگی از امنیت و صلح و ثبات سخن می گویند راضی به پذیرش قید و بندهای ناشی شده از این امنیت و صلح نمی باشند و به همین دلیل تا زمانی که تهدیدات منطقه ای ادامه داشته باشد، ثبات و استقرار در این منطقه حاصل نخواهد شد.»

دکتر صالح بن عبدالرحمن المانع استاد علوم سیاسی دانشگاه ملک سعود در ریاض نیز در سخنرانی خود گفت:

«کشورهای بزرگ به پاره ای از مناطق جهان به عنوان مناطق بی ثبات می نگرند و به همین دلیل سعی می کنند تا در این مناطق نفوذ کرده و نوعی ثبات را در آنجا حاکم کنند یا حداقل بحرانشان را مهار کرده و یا راه حل‌های

مسالمت آمیزی برای مقابله با این نوع اختلافات بیابند. به عنوان مثال در سطح جهان عرب شاهد بودیم که در سال ۱۹۹۱ کنفرانس مادرید به این دلیل تشکیل شد که بحران میان اعراب و اسرائیل از طریق یک

همکاری گروهی، دیگر به سطح و درگیری مسلحانه نرسد و در کنار عادی سازی روابط، فرماندهان نظامی نیز بتوانند درمیز مذاکرات به حل و فصل مسایل فی مابین پردازند، به این ترتیب شاهد بودیم که طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵، مذاکرات متعددی میان طرفین منعقد شد و حتی نظامیان نیز در آن شرکت جستند. حتی طی مذاکرات سال ۱۹۹۵ که در تونس برگزار شد، پیشنهاد تأسیس یک مرکز تبادل اطلاعات در سطح منطقه با داشتن شعبه هایی در مصر، اسرائیل، فلسطین، اردن و قطر و یا استفاده از مراکز ویژه موجود در اروپا که شامل منطقه خاورمیانه و کشورهای فعال در آن باشد، ارائه شد. آن پیشنهاد منجر به افزایش فشارهای ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا بر روی اعراب و اسرائیل شد تا روابط میان کشورهای حوزه دریای مدیترانه در سطوح مختلف بیش از پیش گسترش یابد. هدف اولیه از این فشارها این بود که یک بازار اقتصادی مشترک میان این کشورها و اتحادیه اروپا تشکیل شود، اما هدف اصلی این بود که روابط میان اعراب و اسرائیل از طریق برگزاری اجلاسهای

دوره ای میان وزیرای خارجه اتحادیه اروپا و منطقه خاورمیانه به تدریج عادی شود.»

دکتر المانع در بخش دیگری از سخنان خویش به عوامل اصلی کاهش تنشهای منطقه ای در حوزه خلیج فارس پرداخت و بیان کرد: «از نیمه دهه ۹۰، قسمت جنوبی منطقه خلیج فارس شاهد پیشرفت مهمی در کاهش تنش میان سواحل شرقی و غربی خویش بوده است. گسترش مناسبات سیاسی میان ایران و عربستان سعودی، عامل اصلی بهبود روابط ایران با سایر کشورهای عضو شورای همکاری بوده است. با تلاش ایران برای بهبود مناسباتش با همسایه های مسلمان خود، سایر کشورهای منطقه نیز از این گسترش روابط دوجانبه استقبال کردند به طوری که کویت، قطر و عمان با تهران موافقتنامه های امنیتی به امضا رساندند و تنها امارات متحده عربی است که به دلیل مسئله جزایر سه گانه هنوز روابط مستحکمی با ایران ایجاد نکرده است.»

در پایان، شایان ذکر است که این کنفرانس در سه جلسه با عنوانهای «امنیت خلیج فارس از دیدگاه منطقه ای»، «امنیت خلیج فارس از دیدگاه بین المللی» و

«بنیانهای نوین روابط کشورهای خلیج فارس
در دهه آینده» برگزار شد.

ارتش و سیاست در خاورمیانه معاصر

نویسنده: باری رویین

ترجمه: ناصر پور حسن

اشاره:

در دهه های اخیر، فعالیت نظامیان در خاورمیانه در بعد کودتا به شدت تنزل پیدا کرده است. در حالی که هنوز نظامیان نقش مهم و قدرتمندی در دولتهای منطقه دارند، اما حکومتها (که اغلب به وسیله افسران سابق رهبری می شوند) یاد گرفته اند که چگونه نیروهای نظامی خود را کنترل کنند. این مسئله تا حدودی وضعیتی به وجود آورده است که در آن تأثیر نهادهای نظامی در دنیای عرب به خاطر محدودیتهای اعمال شده توسط دولتهایشان کمرنگ شده است. این مقاله به بررسی نقش کنونی نظامی های خاورمیانه در زمینه های حفظ نظم داخلی و گسترش نفوذ دولت ها در مرزهای خارج از آن می پردازد.

نظر ما درباره نقش نظامیها در سیاست